

تصحیح چند بیت عربی از قصاید ملّع دیوان رشیدالدین وطواط بر پایه کهن ترین نسخه موجود

احمد رضا یلمه‌ها*

استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان، اصفهان
(تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۰۲/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۵/۰۳)

چکیده

رشیدالدین وطواط یکی از دانشمندان بزرگ قرن ششم هجری و از ادبا و دانشمندان مشهور بلاغت در زبان عربی و فارسی است. تنها تصحیحی که از دیوان این شاعر صورت پذیرفته، تصحیح مرحوم سعید نفیسی است که در آذرماه ۱۳۳۹ هجری در تهران به زیور چاپ آراسته شد. به دلیل متأخر بودن نسخ در دسترس مصحح و عدم دسترسی به نسخه‌های قدیم‌تر، بسیاری از ابیات این دیوان، به‌ویژه ابیات عربی، با تحریفات و تصحیفات ضبط گردیده است. نگارنده این سطور با در دست داشتن قدیم‌ترین نسخه موجود، مکتوب به سال ۶۹۹ هجری قمری، ابیات عربی تحریف شده فراوانی از دیوان این شاعر را تصحیح کرده که در این نوشتار برخی از آن‌ها ارائه گردیده است.

کلیدواژه‌ها: دیوان، رشید وطواط، قدیم‌ترین نسخه، ابیات عربی، تحریف و تصحیح.

مقدمه

امام رشیدالدین سعدالملک، محمدبن محمدبن عبدالجلیل عمر کاتب، معروف به خواجه رشید و طواط، از شعرا و ادبای نامدار و از دانشمندان مشهور بلاغت در زبان فارسی و عربی است. وی از دانشمندان بزرگ و سرآمدان زمان خویش در نظم و نثر عربی و فارسی بوده است؛ یاقوت او را از نوادر زمان و عجایب دوران شمرده و در عهد خود افضل ناس در نظم و نثر پنداشته و در شناختن دقایق کلام عرب و اسرار نحو و ادب کسی را مقدم بر او ندانسته است. قدرت طبع او در شعر هر دو زبان به درجه‌ای بود که به قول یاقوت در معجم‌الادب: در آن واحد یک بیت از بحر به عربی نظم می‌کرد و بیتی دیگر به بحر جداگانه به فارسی و هر دو را با هم املا می‌نمود (صفا، ۱۳۷۳: ۶۳۳/۲).

میان رشید و طواط و جلاله زمخشری - ادیب و متکلم و مفسر بزرگ قرن ششم - دوستی و مباحثه و مکاتبه بوده است و آن دو مباحثاتی بر سر مسائل لغوی و ادبی داشته‌اند. علاوه بر دیوان شعر، منشآت فارسی رشید و طواط که مجموعه‌ای است از رسائل سلطانی و اخوانی، حدائق السحر فی دقایق الشعر در بدیع و صنایع شعری و فصل الخطاب من کلام عمر بن الخطاب، تحفه الصدیق الی الصدیق من کلام ابی بکر الصدیق، انس اللفهان من کلام عثمان بن عفان، نثر الالکی من کلام امیرالمومنین علی و مجموعه رسائل عربی وی نیز معروف است. اثر اخیر در سال ۱۳۱۵ هجری قمری در دو مجلد در مصر به چاپ رسیده و این رسائل از قدیم مشهور و مورد توجه بوده است. اشعار فارسی رشید و طواط استادانه و در کمال استحکام و استواری است. «رشید در برگزیدن کلمات و قوت ترکیب از شاعران کم‌نظیر است. مهارت او در ایراد صنایع مختلف لفظی از قبیل ترصیع، مماثله و تجنیس و امثال آنها، بی‌آنکه به استحکام کلام آسیبی وارد آورد، او را از این حیث در میان شاعران منفرد ساخته است. تا به جایی که می‌توان دیوان او را مجموعه‌ای از صنایع مختلف لفظی شمرد» (همان: ۶۶۳).

دیوان این شاعر که مشتمل بر ۸۵۶۳ بیت و شامل قصاید، ملامعات، ترجیعات، ترکیبات، یک قصیده سمّط مصنوع، غزلیات، مقطعات و رباعیات است، در آذرماه ۱۳۳۹ هجری شمسی از سوی کتابفروشی بارانی به چاپ رسیده است و از آنجا که ابیات دیوانش را نزدیک به دوازده هزار بیت نوشته‌اند، چاپ یاد شده در بردارنده تمامی اشعار این شاعر نیست. این چاپ مشتمل بر مقدمه‌ای درباره زندگی و شرح احوال شاعر و نیز تألیفات وی و معرفی نسخه در دسترس مصحح است. آنچنان که مصحح نیز در مقدمه دیوان متذکر شده‌اند، اکثر نسخ در دسترس ایشان، نسخه‌هایی است که پس از قرن یازدهم کتابت گردیده است.

چنانکه در مقدمه می‌خوانیم: از خرداد ماه ۱۳۱۱ که تاکنون سرگرم تکمیل و تصحیح دیوان فارسی رشید بودم، به‌هیچ‌وجه نسخه‌های کهن و معتبر و جامع همه اشعار وی نیافتیم و همه نسخه‌هایی که پس از این نشان خواهم داد، تازه و ناقص است که در نتیجه مقابله با یکدیگر، اوراق این کتاب را فراهم آوردم (نفیسی، ۱۳۴۴: چهل و یک و چهل و دو).

با توجه به تأخر نسخه‌های در دسترس مصحّح، بسیاری از ابیات دیوان این شاعر، بویژه ابیات مملّح، با تحریفات و تصحیفات فراوان ضبط گردیده و با توجه به نبود نسخه بدل در حواشی یا تعلیقات دیوان این شاعر، برخی از ابیات عربی این دیوان همچنان مبهم و مغلوط باقی‌مانده است. نگارنده این سطور با در دسترس داشتن قدیم‌ترین نسخه موجود از دیوان این شاعر، سعی دارد برخی از این ابیات محرّف را تصحیح و تنقیح نماید.

قدیم‌ترین و صحیح‌ترین نسخ موجود از دیوان این شاعر، نسخه نفیس کتابخانه چستربیتی دوبلین (ایرلند) مکتوب به سال ۶۹۹ هجری قمری است که مجموعه‌ای است از دیوان‌های ده شاعر فارسی سرای قرن پنجم تا هفتم هجری، مجموعاً در ۴۰۱ ورق با صفحات چهارستونی و ۳۱ سطری به خط نسخ ریز و خوش و بسیار دقیق و صحیح که در دسترس مصحّح ارجمند، استاد نفیسی نبوده است. این نسخه به لحاظ نوشته شدن در اواخر قرن هفتم هجری قمری، اصالت و قدمت قابل توجه و تردیدناپذیری دارد و از این جهت لازم است به معرفی کامل آن پرداخته شود. مجموعه یاد شده به قطع ۳۴/۵×۲۳/۸ سانتی‌متر به وسیله دو کاتب نوشته شده است: ۱- ابونصر محمد بن احمد بن برحق بن نعمان الیمنی که اوراق ۲ تا ۱۶۰ و ۲۸۶ تا ۳۰۵ و ۳۱۴ تا ۳۵۰ به خط اوست. ۲- محمد شاه بن علی بن محمود بن شاد بخت اصفهانی، ساکن محله کران اصفهان که اوراق ۱۶۱ تا ۲۸۵ و ۳۰۶ تا ۳۱۳ و ۳۵۱ تا ۴۰۱ را نوشته است؛ تاریخ تحریر این مجموعه را در چهار دستنویس (در چهار جا) بدین شرح می‌توان ملاحظه کرد: در آغاز ذی‌الحجه ۶۹۹ هجری (سپتامبر ۱۳۰۰م) در ورق ۱۶۰، در اواخر ذی‌القعدة ۶۹۹ (آگوست ۱۳۰۰) در ورق ۲۱۶، نیمه شوال ۶۹۹ (ژوئیه ۱۳۰۰) در ورق ۲۳۲، و ۲۳ ذی‌الحجه ۶۹۹ (۱۰ سپتامبر ۱۳۰۰) در ورق ۴۰۱.

مندرجات این مجموعه مشتمل بر ده دیوان به این شرح می‌باشد:

- ۱- دیوان کمال الدین اسماعیل ورق ۱۲۲-۱ (که یازده ورق از آخر ناقص است)؛
- ۲- دیوان عبدالواسع جبلی، ورق ۱۶۰-۱۲۳ (که چهار ورق از ابتدا ناقص است و یک ورق در آغاز آن سفید مانده است)؛
- ۳- دیوان رشید وطواط ورق ۱۶۱ تا ۲۱۶؛
- ۴- دیوان الفرج رونی ورق ۲۳۲-۲۱۷؛
- ۵- دیوان ازرقی هروی ورق ۲۴۷-۲۳۳ (که سه ورق از پایان آن ناقص است)؛

- ۶- دیوان شمس الدین طبسی از ورق ۲۴۸-۲۵۷ (که هشت ورق در ابتدا افتادگی دارد)؛
 ۷- دیوان نجیب الدین جرفادقانی ورق ۲۵۸ تا ۲۷۱ (که دو ورق اول آن افتاده است)؛
 ۸- دیوان رفیع الدین لبنانی از ورق ۲۷۱ تا ۲۸۵؛
 ۹- دیوان امامی هروی ورق ۲۸۶ تا ۳۰۵؛
 ۱۰- دیوان انوری ورق ۳۰۰ تا ۴۰۱.

در پایان دیوان انوری (از این مجموعه) چنین می‌خوانیم: «تمام شد دیوان امیر حکیم اوحدی
 مله و اندین عماد اسلام و المسلمین، تاج الشعرا، علی بن محمد بن اسحاق ... بر دست بنده
 ضعیف، محمدشاه بن علی بن محمود بن شاد بخت اصفهانی، ساکن محلت کران، در روز شنبه
 بیست و سوم ذی‌الحجه سنه تسع و تسعین و ستمایه». دیوان/شاعر رشید وطواط از ورق ۱۶۱
 تا ۲۱۶ به خط نسخ ریز به صورت صحیح و دقیق در این مجموعه مسطور است و ابیات ملمّع و
 عربی دیوان نیز با اعراب گذاری کامل (به صورت مشکول) ضبط گردیده است که در تصحیح
 ابیات عربی دیوان این شاعر بسیار کارآمد و مفید است.
 با مقابله و مقایسه دیوان چاپی رشید وطواط به تصحیح استاد نفیسی و نسخه چستریبتی
 موصوف، به موارد اختلاف فراوانی، به‌ویژه در ابیات عربی و ملمّع دیوان برخورد می‌کنیم. در
 اینجا برای نمونه به چند مورد از این اختلافات اشاره می‌شود.
 رشید وطواط در مدح جمال الدین وزیر قصیده‌ای دارد با مطلع:

ای جمال دولت ای چرخ جلال وی ز تو افزوده گیتی را جمال

در اثنای قصیده در متن دیوان چاپی چنین می‌خوانیم:

كَفَّكَ الْوُطْفَاءَ ضَيْعَتَ لِلنَّدى تَبَدَّلَ الْأَمْوَالَ مِنْ قَبْلِ السُّؤَالِ
 دَارُكَ الْفَيْحَاءَ مَأْوَى لِلْعُلَى رَفَّقَكَ الْمَأْمُولَ مَثْوَى لِلرِّجَالِ

به جای واژه مغلوط و محرف «ضَيْعَتَ» در قدیم‌ترین نسخه موجود «صَيْغَتَ» مکتوب است و
 مفهوم مصراع اول چنین است: «دست پرخیز تو ای ممدوح برای بخشش ساخته شده است» و
 بیت ثانی در این نسخه چنین است:

دَارُكَ الْفَيْحَاءَ مَأْوَى لِلْعُلَى رَفَّقَكَ الْمَأْمُولَ مَثْوَى لِلرِّجَالِ

«رغد» به معنی «بخشش» و معنی بیت چنین است: «خانه وسیع تو، پناهگاه بلندپهاست و
 بخشش آرزو شده تو محل و مسکنی برای همه مردم است».
 در ادامه قصیده می‌خوانیم:

ان عَرَّتْهُمْ حِطَّتْهُ مَازَعَرَعُوا ان رِيحٌ زُعَزَعَتْ شَمَّ الْجِبَالِ

بیت مزبور به این صورت، مبهم و مغلوط است. در قدیمترین نسخه موجود چنین می‌خوانیم:

انَ عَرْتَهُمْ حُطَّةً مَا زَعَزَعُوا اِی ریح زَعَزَعَتْ شَمَّ الْجِبَالِ

بدین معنی: «اگر امر مهمی به آن‌ها روی آورد، تکان نمی‌خورند و پریشان نمی‌شوند، چه بادی است که بتواند کوه‌های سر به فلک کشیده را تکان دهد؟!».

در بیت بعد قصیده مزبور می‌خوانیم:

كَلَّهُمْ كَانُوا لَيُونًا لِلْوَعَا كَلَّهُمْ كَانُوا غُنُوًّا لِلنَّوَالِ

واژه «غنوا» در بیت مزبور محرف و مغلوط بوده، درست آن برابر قدیم‌ترین نسخه «غیوناً» به معنی باران و ابر بارنده است و بعید نیست که چنین اغلاطی از اغلاط چاپی باشد. رشید وطواط قصیده‌ای دیگر در مدح اتسز خوارزمشاه دارد با مطلع:

نگارینا به هر معنی تمامی دل از وصل تو باید شادکامی

در بیت سوم این قصیده می‌خوانیم:

تُعورک مِثْلُ عِقْدِ الدَّرِّ حُسْنًا وَ عِقْدِ الدَّرِّ مُتَشِقِّ النَّظَامِ

به جای واژه «متشقق» در قدیم‌ترین نسخه موجود «مُتَسَّق» ضبط گردیده است و چنانکه می‌بینیم با مفهوم بیت سازگارتر است؛ بدین معنی که: «دندانهای تو در زیبایی همانند رشته مرواریدی است که مرواریدهایش منظم چیده شده باشد».

در ادامه قصیده مزبور در متن دیوان چاپی، چنین آمده است:

یمللنی فراقک کل میل علی لهب شدید الاضطرام

برابر قدیم‌ترین نسخه، صحیح بیت چنین است:

يُملِلِنِي فِرَاقِكِ كُلِّ لَيْلٍ عَلِي لَهَبٍ شَدِيدِ الاضْطِرَامِ

و مفهوم بیت چنین است: «جدایی تو هر شب مرا در بستری از آتش بسیار فروزان به حرکت در می‌آورد».

در بیت بعد چنین می‌خوانیم:

أَبَيْتٌ وَ فِي جَفُونِي مَاءَ حَزْنٍ وَ مَا بَيْنَ الضُّلُوعِ نَطِي غَرَامِ

واژه «نطی» در مصراع دوم در بیت یاد شده، از تحریفات کاتبان است و مطابق نسخه موصوف، و با توجه به معنی بیت، صورت صحیح آن «لَطی» به معنی «زبانۀ آتش» است. بنابراین، مفهوم بیت چنین است: «شب را به روز می‌رسانم در حالی که چشمانم را اشک اندوه فرا گرفته و در بین دندنه‌هایم (درونم) آتش اشتیاق شعله‌ور است.»
در ادامه قصیده یاد شده چنین می‌خوانیم:

صَفَاءُ الْبُشْرِ مِنْ لَعْنَاهُ بَادَا وَ غَيْثُ الْبَرِّ مِنْ غِيَاهِ حَامِي

بیت یاد شده به همین صورت مغلوط و محرف در متن دیوان چاپی رشید و طواط ضبط گردیده است و در نتیجه مفهوم روشنی ندارد و مطابق با قدیم‌ترین نسخه صورت صحیح بیت، چنین است:

صَفَاءُ الْبُشْرِ مِنْ لَقِيَاهُ بَادَا وَ غَيْثُ الْبَرِّ مِنْ يُمْنَاهُ هَامِ

و معنی بیت چنین است: «صفای چهره او به هنگام دیدار آشکار و باران نیکی از دو دست او بارنده و جاری است.»
در ادامه قصیده چنین می‌خوانیم:

فَمَنْكَ مَلَكْتَ نَاصِيهِ الْمَبَاعِي وَ مَنْكَ بَلَّغْتَ قَاصِيهِ الْمَرَامِي

مطابق نسخه وصف شده، به جای واژه «المباعی»، «المباغی» به معنی حاجت و آرزو صحیح است و مفهوم بیت چنین است: «من به واسطه تو، آرزوهایم را به دست آوردم و به واسطه تو به خواسته‌های دور دست خود رسیدم.»

رشید و طواط قصیده مملع دیگری در مدح ضیاء‌الدین علی بن جعفر دارد با مطلع:

ضِيَاءُ الدِّينِ تُو رَا دَر كَامِرَانِي هَزَارَانِ سَالِ بَادَا زَنْدِگَانِي

در بیت دوم این قصیده می‌خوانیم:

وَ فَاكَ اللهُ نَائِبَةَ اللَّيَالِي وَ صَانَكَ مِنْ مُلْمَاتِ الزَّمَانِ

ترکیب «وفاک الله» در آغاز مصراع اول، بی‌ارتباط و ناسازگار بوده، مطابق نسخه در دسترس، «وفاک الله» صحیح و مفهوم بیت چنین است: «خداوند تو را از حوادث روزگار در امان دارد و از گردشهای روزگار حفظ گرداندا.»

در ادامه قصیده می‌خوانیم:

يَشُقُّ إِذَا بَدَا بَدْرُ الدِّيَاجِي جَبِينُكَ وَ الدَّجِي مُلْقَى الْجِرَانِ

به جای ترکیب ناسازگار «بدر الدیاجی» در مصراع نخستین، «بدر الدیاجی» به معنی پیراهن تاریکی صحیح بوده و مفهوم مصراع چنین است: «هنگامی که چهره تو آشکار می‌شود، پیراهن تاریکی را می‌شکافد».

در ادامه قصیده چنین می‌خوانیم:

فُسْخَطْكَ كُلَّهُ سَوْدُ الْمَنَايَا وَغُلُوكَ كُلَّهُ بَيْضُ الْاِمَانِ

به جای واژه بی‌ارتباط و نامفهوم «غلوک» در مصراع ثانی، «عفوک» صحیح است و مفهوم بیت چنین است: «ای ممدوح! خشم تو همه‌اش مایه مرگ سیاه، و عفو و بخشش تو به تمامی امیدها و آرزوهای سفید است» و شاعر آرایه طباق و تضاد «سُخَط و عَفْو»، «سود و بیض» و «امانی و منایا» و نیز آرایه تدبیج و موازنه را در دو مصراع هم‌قرینه در نظر داشته است. در بیت سی‌ام قصیده مزبور چنین می‌خوانیم:

نَعَشْ أَبْدَا عَلَي رَعْمِ الْاِعَادَى طَلِيقَ الْوَجْهِ، فَيَاضِ الْبِنَانِ

و چنانکه می‌بینیم، واژه «نعش»، از تحریفات نساخ است که صورت صحیح آن «فَعِش» است؛ بدین معنی «پس زندگی کن برای همیشه، برخلاف میل دشمنان، با چهره‌ای دلگشا و انگشتانی بخشنده».

گفتنی است که در اثنای نسخه چستربیتی که شرح آن گذشت، ابیاتی از رشید و طواط آمده که ترجمه اشعار معروف عربی از ادیبان برجسته عرب بوده و تنها ترجمه شعر فارسی از رشید و طواط در متن دیوان چاپی و طواط آمده است و ذکر اصل ابیات عربی آن که در نسخه موصوف آمده نیز از اهمیت خاصی برخوردار است؛ چنانکه در صفحه ۶۰۹ دیوان چاپی می‌خوانیم:

چون ز شعبان گذشت بیست، مباحش به شب و روز بی‌شراب دمی

همه جام بزرگ خواه که خرد نکند وقت احتمال همی

و اصل ابیات عربی در دیوان چاپی یا در حاشیه و تعلیقات، ضبط نشده است در حالی که در نسخه خطی موصوف می‌خوانیم:

این بیت‌ها را بزرگی از افاضل گفته است:

إِذَا الْعِشْرُونَ مِنْ شَعْبَانَ وَآتَ فَوَاصِلِ شَرْبٍ لَيْلٍ بِالنَّهَارِ

وَ لَا تَشْرَبُ بِأَقْدَاحِ صِغَارٍ فَإِنَّ الْوَقْتَ ضَاقَ عَنِ الصِّغَارِ

و سپس آمده است که: «در ترجمه آن قطعه، حکیم رشید الدین وطواط گوید» و بعد از آن دو بیت فارسی را آورده است.
 نیز در متن دیوان چاپی می‌خوانیم:
 در ترجمه شعر تازی:

من همان گویم کان لاشه خرک گفت و می‌کند به سختی جانی
 چه کنم بار کشم راه روم که مرا نیست جز این درمانی
 یا بمیرم من و یا خربنده یا بود راه مرا پایانی

و اصل سه بیت عربی در نسخه چستربیتی بدین صورت آمده است:
 قاضی یحیی گوید این هر سه بیت عربی:

أقولُ كما يَقولُ حمارٌ سوءٍ وقد ساموهُ حملاً لا يطيقُ
 سأصبر و الأمور لها اتساعٌ كما أنّ الأمور لها مَضيقُ
 فإمّا أن أموت أو المكارى و إمّا ينتهى هذا الطريق

نتیجه

بنابر آنچه گذشت می‌توان نتیجه گرفت که دیوان رشید وطواط، شاعر و ادیب نامدار قرن ششم هجری، با توجه به اینکه تنها یک بار تصحیح و تنقیح گردیده است و در آن تصحیح، مصحح ارجمند، نسخه‌های متأخری را که پس از قرن یازدهم کتابت گردیده بوده، در دسترس داشته است، بسیاری از ابیات دیوان بر اثر اشتباه و تساهل یا عدم اندیشه و ژرف نگری توسط کاتبان و نسخ‌داران در نسخه‌های متأخر، تحریف و تصحیف شده است و به گونه‌ای مبهم و مغلوط در آمده است. از این رو، با رجوع به قدیم‌ترین نسخه بازمانده از دیوان این شاعر که در تاریخ ۶۹۹ هجری کتابت گردیده و در کتابخانه چستربیتی دوبلین (ایرلند) نگهداری می‌شود و فیلمی از آن در دانشگاه تهران موجود است، و با مطابقت و مقایسه همه ابیات دیوان، از جمله ابیات عربی و ملمّع این شاعر، آن تحریفات و تصحیفات و ابهامات برطرف می‌گردد.

کتاب‌نامه

الجَزّ، خلیل (۱۳۶۲) *فرهنگ لاروس*، ترجمه حمید طبیبیان، تهران: امیرکبیر.
 پادشاه، محمد (۱۳۶۴) *آندراج*، به کوشش دکتر دبیرسیاقی، تهران: خیام.

خاقانی شروانی، افضل الدین (۱۳۶۸) *دیوان*، به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی، چاپ پنجم، تهران: زوّار.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷) *لغت‌نامه*، زیر نظر دکتر معین و دکتر شهیدی، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

سجادی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۲) *فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی*، چاپ دوم، تهران: زوّار.

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۷۲) *صور خیال در شعر فارسی*، چاپ پنجم، تهران: نشر آگاه. شهیدی، سید جعفر (۱۳۷۶) *شرح لغات و مشکلات دیوان انوری ایبوردی*، چاپ دوم، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.

صفا، ذبیح الله (۱۳۷۳) *تاریخ ادبیات ایران*، چاپ سیزدهم، تهران: انتشارات فردوس.

مایل هروی، نجیب (۱۳۶۹) *نقد و تصحیح متون*، چاپ اول، مشهد: آستان قدس رضوی.

----- (۱۳۸۰) *تاریخ نسخه‌پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی*، چاپ اول، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معلوف، لوئیس (۱۳۶۴) *المنجد*، تهران: انتشارات اسماعیلیان.

نفیسی، سعید (۱۳۴۴) *تاریخ نظم و نثر در ایران و زبان فارسی*، تهران: کتابفروشی فروغی، چاپ اول.

وطواط، رشیدالدین (۱۳۳۹) *دیوان*، تصحیح سعید نفیسی همراه با کتاب *حدائق السحرفی دقایق الشعر* از روی چاپ عباس اقبال آشتیانی، چاپ اول، تهران: کتابفروشی بارانی.

هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹) *مجمع الفصحاح*، به کوشش مظاهر مصفا، تهران: انتشارات امیرکبیر.